

حجیت خبر واحد در امور مهمه

حسن حسینی یار* / عباسعلی سلطانی** / محمدرضا علمی سولا***

چکیده

خبر واحد به عنوان یکی از منابع و مستندات استنباط احکام شرعی مورد توجه و همواره میان فقیهان، در حجیت و عدم حجیت آن اختلاف نظر بوده است، در دوره‌ای نظر مشهور، عدم حجیت خبر واحد و در دوره دیگر، حجیت خبر واحد بوده است و تاکنون نظر مشهور، حجیت خبر واحد است، اما در این منابع از جهت شمول حجیت خبر واحد نسبت به امور مهمه، تفکیکی صورت نگرفته است. این نوشتار بر آن است که با توجه به وجود وسائط زیاد در نقل خبر، که به نوبه خود موجب آفت واقع‌نمایی خبر می‌شود و از سوی دیگر، با توجه به ابتدای مذاق شارع و سیره عقلا در امور مهمه (جان، آبرو و فروج)، بر لزوم رعایت احتیاط، اکتفا به خبر واحد برای وضع قوانین (همچون رجم زانی و اعدام مرتد) در حوزه امور مهمه، مخالف مذاق شارع و سیره عقلا بوده، و در نتیجه، فاقد پشتوانه عقلی و شرعی است.

کلیدواژه: حجیت خبر واحد، امور مهمه، مذاق شریعت، سیره عقلا

* کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی hoseiniyar@gmail.com

** دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤول) soltani@um.ac.ir

*** استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد elmisola.um.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۲/۰۱ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۸/۱۲

۱- مقدمه

با توجه به این که مهمّ ترین و یا در برخی موارد، تنها مستند بسیاری از احکام کیفری، خبر واحد ثقه است و این اخبار آحاد، متأثر از گذشت زمان هستند؛ یعنی از زمان صدور این اخبار تا زمان حاضر، زمان قابل توجهی گذشته و این مرور زمان موجب افزایش تعداد حلقات نقل روایات شده است که آن نیز به نوبه خود، عاملی برای افزایش احتمال نقصان در متن روایت می‌باشد و از سوی دیگر، با عنایت به این که مهمّ ترین (و به عقیده برخی از فقها، تنها) دلیل حجّت خبر واحد ثقه، سیره عقلا است و عقلا در امور مهمّه، تحصیل قطع و یقین را ملاک عمل قرار می‌دهند، ضروری است در دو ساحت، از مذاق شریعت و سیره عقلا، بهره‌برداری شود؛ اول: تعیین صحّت و سقم مضمون این اخبار؛ و دوم: تأمین خلأ ناشی از طرح برخی اخبار آحاد. با توجه به مطلب پیش گفته، این نوشتار سعی دارد با نشان دادن قصوری که در اخبار واحد، از جنبه حکایت‌گری از قول معصوم، وجود دارد و نیز نشان دادن حدود اکتفا به اخبار آحاد در سیره عقلا و توجه دادن به این حقیقت که در شریعت مقدس اسلام، عناصر قابل توجه دیگری (که شاید بتوان گفت تاکنون به میزان شایسته ای از آنها در فرآیند استنباط احکام فقهی بهره‌برداری نشده است) مانند مذاق شریعت و سیره عقلا، برای استنباط احکام فقهی وجود دارند، نشان دهد که اکتفا به اخبار آحاد برای استنباط احکام فقهی و وضع قوانین کیفری، فاقد پشتوانه عقلی و شرعی است و توجه به سایر منابع پیش گفته برای تکمیل و تحدید اخبار آحاد، در جهت کشف و وضع قوانین در این حوزه، ضروری است.

۲- مفهوم شناسی واژگان

- **حجّت:** درباره معنای لغوی حجّت، با بررسی کتب لغت مشخص می‌شود که در اکثر آنها حجّت، به معنای برهان دانسته شده است (الصحاح/۱/۳۰۴؛ نیز ر.ک: لسان العرب/۲/۲۲۸؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر/۲/۱۲۱). اما در خصوص معنای اصطلاحی

حجّت، علامه مظفر در تعریف حجّت گفته است: «حجّت، هر چیزی است که متعلّق خودش را اثبات کند اما به درجه قطع نرسد» (أصول الفقه ۱۲/۲).

- **خبر:** خبر در لغت به این معنا آمده است: آن چه را که برایت نقل کنند و خبر دهند از کسی که جويا شدی، و آن چه را که نقل کنند و اطلاع دهند (لسان العرب/۱۰۹۰/۲؛ نیز ر.ک: تهذیب اللغه/۱۵۷/۷)؛ همچنین در برخی منابع در باب معنای لغوی خبر آمده است: «خبر، گفتاری است که استفاده از صفت صدق و کذب در مورد آن معنا داشته باشد و امکان دارد فرد به واسطه خبر، هم از خودش و هم از دیگری آگاهی دهد؛ البته اصل در خبر این است که خبردهنده، از دیگری آگاهی دهد» (الفروق فی اللغه/۳۲) و نیز گفته شده است: «خبر، گفتاری است که از کسی روایت یا حدیث می شود» (الطراز الأول/۳۵۰/۷). اما در مورد معنای اصطلاحی، چستی خبر ضرورتاً روشن است. (خبر سخنی است که به خودی خود، بیان کننده نسبت چیزی به چیزی است، خواه این نسبت به صورت نفی چیزی از چیزی باشد و خواه به صورت اثبات چیزی برای چیزی). پس، اگر در صدق این عنوان بر کلامی شبهه پیش آید به این قید که خبر، آن گفتاری است که احتمال صدق و کذب در آن می رود، می توان خبر را از غیر آن باز شناخت (مبایء الوصول إلى علم الأصول/۲۰۰).

- **خبر واحد:** در برخی منابع، در بیان اقسام خبر آمده است: «خبر بر دو قسم است: خبر واحد و خبر متواتر، و تواتر در لغت، عبارت است از پی در پی آمدن اشیاء، یکی بعد از دیگری، و تواتر در اصطلاح متشرعه، عبارت است از خبر گروهی که از جهت زیادی و دوری که میان ایشان است به گونه ای باشد که عادتاً احتمال تبانی و توافق ایشان بر اشاعه يك دروغ، ناممکن باشد؛ و نیز از شأن خبر متواتر این است که از آن علم و اطمینان بدست می آید؛ و مراد ما از خبر واحد، آن چیزی است که از خبر متواتر پائین تر باشد و ویژگی آن، این است که مفید ظن و گمان است» (علم أصول الفقه فی ثوبه الجديد/۲۳۳) و نیز در برخی منابع در تعریف خبر واحد آمده است: «خبر واحد، عبارت است از خبری که متواتر نباشد؛ یعنی به تنهایی و به خودی خود، موجب علم به

راستی محتوای خودش نشود، خواه در حدّ مستفیض باشد و خواه در این حدّ نباشد» (التعلیقه علی فرائد الأصول/۳۰۳/۱). همچنین در برخی منابع، در تعریف خبر واحد به صورت مختصر آمده است: «خبر واحد، هر خبری است که مفید علم و یقین نباشد» (دروس فی علم الأصول/۷۸).

- امور مهمه: اگرچه در هیچ منبعی به طور صریح و مستقل، به تعریف امور مهمه پرداخته نشده است، اما باتوجه به مجموع آن چه به عنوان مصادیق امور مهمه در متون فقهی نقل شده است، می‌توان آن را این گونه تعریف کرد که مقصود از امور مهمه، اموری است که سیره شارع مقدس و عقلا در وضع قوانین در حوزه آن امور، مبتنی بر سخت‌گیری و رعایت احتیاط است؛ بر همین اساس، نوشتار حاضر به نقد و بررسی اکتفا به خبر واحد در احکامی که متخذ از خبر واحد هستند و موضوعات آنها امور مهمه است، می‌پردازد.

- مذاق شریعت: در برخی منابع، در باب معنای «مذاق شریعت» چنین آمده است: «مذاق شریعت، به معنای سبک، آهنگ و روش شارع در جعل احکام است، در جایی که دلیل ظاهر و قطعی برای استناد حکم وجود ندارد، ولی از آنجایی که حکم با روش شارع در آن احکام مناسبت دارد حکم مسأله روشن می‌شود. مذاق شریعت را می‌توان برآیند ادله عقلی و نقلی دانست که اگر به گونه قطعی باشد، از باب قطع، حجت است و ظنی آن نیز در صورتی که همراه با اطمینان باشد، حجت خود را از بنای عقلا می‌گیرد» (مفهوم و حجت «مذاق شریعت» در فرآیند استنباط احکام فقهی/۲۰).

- سیره و بنای عقلا: اصطلاحی در علم اصول فقه و فقه است، به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی (أصول الفقه/۹۱/۲).

۱- «بل فی الشبهه البدویّه ایضاً مع فرض فعلیه التکلیف بواقعه علی فرض تحقّقه یجب الاحتیاط ایضاً کما فی الأمور المهمه کالدما و الفروج...» (دراسات فی المکاسب المحرّمه/۳۸۶/۱)، «... وجوب الدفع فی الامور المهمه کالأعراض و النفوس» (أنوار الفقاهه/۱۱۴).

۳- اکتفا به خبر واحد در امور مهمه از منظر سیره عقلا

۳-۱- سیره عقلا مهم ترین دلیل حجیت خبر واحد

با توجه به این که از منظر برخی از فقهای بزرگ که معتقد به حجیت خبر واحد هستند، اساساً مهم ترین دلیل حجیت خبر واحد، همان سیره و بنای عقلا می باشد (کفایه الاصول/۳۰۳؛ نیز ر.ک: فرائد الاصول/۱۷۴/۱؛ اصول الفقه/۹۱/۲؛ تهذیب الاصول/۲۰۰/۲؛ جامع المدارک/۷/۲۴۶)، در این قسمت، درستی یا نادرستی اکتفا به خبر واحد در امور مهمه از منظر سیره عقلا با توجه به برخی نظریات فقها، مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۲- طرح خبر واحد به استناد سیره عقلا

در برخی منابع، پس از بیان این صورت مسأله که در مورد قتل فردی، علیه فردی اقامه شهادت می شود و سپس فرد دیگری اقرار به قتل فرد مورد نظر می کند، آمده است که در این مورد، مشهو به روایتی استناد می کنند که زراره از امام صادق (ع) نقل می کند که پرسشگر سؤال می کند که اگر در این صورت، ولی دم خواستار قصاص هر دو نفر شوند چه باید کرد؟ و امام (ع) در پاسخ می فرماید: می توانند چنین درخواستی کنند و در این صورت، ولی دم باید به ولی کسی که علیه او شهادت داده شده است نصف دیه کامل را بپردازند. در ادامه، مصنف ضمن بیان اشکالات وارده بر مضمون روایت به این نکته کلیدی اشاره می کند که اساساً تمسک به خبر واحد ثقه یا عادل در امور مهمه با اشکال مواجه است و عقلا در این گونه امور احتیاط می کنند و چنان چه در این موارد، یقین وجود نداشته باشد این اخبار را مقدم نمی شمارند و در کلام برخی بزرگان هم نسبت به عدم دست اندازی و هجمه نسبت به جان افراد، تذکر داده شده است که مؤید همین سیره عقلا می باشد (الاجتهاد و التقليد/۳۷۸).

۴- اکتفا به خبر واحد در امور مهمه از منظر مذاق شریعت

در این بخش، برخی از نظریات فقهی و فتاوی برخی از فقهای بزرگ که در آنها برخی از اخبار آحاد به دلیل مخالفت با مذاق شریعت مبنی بر لزوم رعایت احتیاط

در امور مهمه، کنار نهاده شده و نیز برخی دیگر از نظریات فقهی که گویای لزوم رعایت احتیاط در این امور و اهتمام شارع مقدس در مورد آن امور است، بیان می-گردد:

- لزوم رعایت احتیاط در امور مهمه

در برخی منابع، لزوم رعایت احتیاط در امور مهمه مانند دماء و فروج از باب رعایت احتیاط شرعی لازم دانسته شده است (من لایحضره الفقیه/۶/۲۴۷).

- عدول از ظاهر خبر واحد به استناد لزوم رعایت احتیاط در امور مهمه

در برخی منابع روایی، در شرح و توضیح روایاتی که توبه مرتد را مقبول ندانسته اند، آمده است: «و این که گفته شده مرتد فطری توبه ندارد، صحیح است، بدین معنا که لازم نیست حاکم شرع او را مانند مرتد ملی توبه دهد، و به اصطلاح استیتاب ندارد، نه آن که توبه اش قبول نیست، چه اگر او قبل از صدور حکم توبه کرد توبه اش بنا بر نص صریح قرآن کریم که فرموده: «أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ» (توبه/۱۰۴) پذیرفته است، و مفتوح بودن باب توبه را به صریح آیه به صرف استنباطی از خبری مجمل بلکه متشابه، نمی توان نادیده گرفت؛ و جمله «لا توبه له» که در حسنه محمد بن مسلم از امام باقر(ع) در کتاب کافی نقل شده است، صریح نبوده و مجمل است، و می توان آن را بر صحیح علی بن جعفر از امام کاظم(ع) حمل کرد که فرموده است: «یقتل و لایستتاب» و معنای آن را عدم لزوم استیتاب گرفت که با آیه مذکور سازگار است، و در این صورت، آیه بر عمومیت خود باقی است و تخصیص نخورده است، و عدم پذیرش توبه را بنا بر نص صریح آیه مبارکه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ اِزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ نُقْبَلَ تَوْبَتَهُمْ» (آل عمران/۹۰) مقید به ازدیاد کفر و بازنگشتن از ضلال دانست، یعنی آن که خود توبه نکند و به اسلام رجوع ننماید، و پس از صدور حکم خود را در معرض هلاک ببیند و آنگاه اظهار ندامت کرده و توبه نماید که البته پذیرفته نیست؛ چه این توبه، نوعی حيله برای نجات از مرگ است نه توبه حقیقی، و این تفصیل کلام در اینجا از آن جهت است که شارع مقدس در مورد دماء و فروج، امر اکید به

مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۹ - شماره ۱۶ - بهار و تابستان ۹۶ - ۱۶۷
احتیاط و دقت فرموده، و مقتضای احتیاط آن است که حکم مرتدّ تائب را با غیر تائب یکی ندانیم، و به آن چه نزدیک تر به احتیاط است عمل نمائیم» (شراعی الإسلام/۴/۱۴۷-۱۴۸).

- طرح فتوا به استناد لزوم رعایت احتیاط در امور مهمّه

مرحوم محقق حلی ذیل بیان حدّ سحق، ضمن بیان نظر شیخ طوسی در کتاب نهایه مبنی بر این که اگر این کار را دو مرتبه انجام دادند و پس از دو مرتبه تعزیر شدند در مرتبه سوم، حدّ سحق بر آنها جاری می‌شود و اگر باز هم تکرار کردند در مرتبه چهارم کشته می‌شوند، این نظر شیخ را ردّ کرده و می‌گوید: اولی این است که در این مورد، به دلیل رعایت احتیاط در مورد جان افراد به همان تعزیر اکتفا می‌شود (همان).

- ترجیح فتوا به استناد لزوم رعایت احتیاط در امور مهمّه

در برخی منابع، ذیل عنوان «الأولی التّساوی فی الإسلام شرط فی صحّه العقد» این سؤال مطرح شده است که آیا علاوه بر اسلام، کفویت در ایمان هم لازم است؟ و در پاسخ گفته شده است که أظهر آن است که نیازی به کفایت در ایمان نیست، اما در صورتی که زن شیعه باشد، شیعه بودن مرد، مستحبّ و مورد تأکید است و در ادامه آمده است که در این زمینه، دو نظر وجود دارد: شیخ مفید معتقد است که مسلمانان، کفو هم هستند و شیخ طوسی گفته است که برای صدق کفویت، تساوی در ایمان هم لازم است. در ادامه، مصنف نظر شیخ مفید را به گفتار خداوند که می‌فرماید: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (النساء/۳) «با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمائید» نزدیک تر به صواب می‌شمارد، اما نظر شیخ طوسی مبنی بر لزوم ایمان را به جهت دوری از خطر ورود به حیطه مباح دانستن فروج و تطهیر نسل، به احتیاط نزدیک تر عنوان می‌کند (کشف الرّموز/۲/۱۵۰).

- طرح خبر واحد به استناد لزوم رعایت احتیاط در امور مهمّه

در برخی منابع، ذیل مسأله یافتن شیء گم شده در حرم (مسجد الحرام)، پس از بیان فتوای شیخ طوسی مبنی بر عدم ضمان کسی که در حرم، شیئی را یافته و آن را صدقه داده است و سپس صاحب آن مال پیدا شده و آن مال را مطالبه کرده است، دلیل

آن روایتی از علی بن حمزه دانسته شده و در ادامه، درباره استناد این فتوا به آن روایت، این طور نظر داده شده است که دست‌اندازی به اموال به استناد خبر واحد جایز نیست (بنابراین، چنین کسی ضامن است و باید از عهده خسارت برآید) (همان/۴۱۰-۴۱۲).

- ترجیح خبر واحد به استناد لزوم رعایت احتیاط در امور مهمه

در برخی منابع، ذیل عنوان «من أفطر مستحلاً و قد ولد علی الفطره فهو مرتد»، پس از بیان دو روایت در باب حدّ کسی که در ماه رمضان علناً روزه خواری کند (که مضمون روایت اول این است که اگر فردی در ماه رمضان روزه خواری کند و دو مرتبه تعزیر شود در مرتبه سوم کشته می‌شود؛ و مضمون روایت دوم این است که اگر کسی سه روز در ماه رمضان علناً روزه خواری کرده و در پاسخ به این سؤال که آیا تو در روزه خواری گناه کار هستی؟ پاسخ دهد خیر، بر امام است که او را بکشد و اگر در پاسخ این سؤال بگوید بله، بر امام است که با ضربه‌ای او را به شدت عقوبت کند) روایت دوم را به دلیل این که هجوم بر جان افراد، امر خطرناکی است، بر روایت اول ترجیح داده و آن را به احتیاط نزدیک تر می‌شمارد. (منتهی المطلب فی تحقیق المذهب/۹/۱۷۴-۱۷۵).

- صدور فتوا به استناد لزوم رعایت احتیاط در امور مهمه

در برخی منابع، پس از بیان این مسأله که حدّ سرقت نسبت به کسی که دچار اضطرار و یا اکراه شده است، جاری نمی‌شود، در حاشیه آمده است که اگرچه چنین فردی از سوی خداوند اذن دارد و عمل او به دلیل همین وجود اذن، سرقت محسوب نمی‌شود، اما این مآذون بودن، منافاتی با این ندارد که این شخص، ضامن عوض مال سرقت شده باشد و در ادامه، دلیل این فتوا و نظر را حفظ نظام و عدم دست‌اندازی نسبت به مال مردم، عنوان می‌کند که از این مطلب مصنف، می‌توان فهمید که دلیل ایشان برای صدور این فتوا، رعایت احتیاط در امور مهمه است که از جمله مصادیق آن مال افراد است (مهذب الأحكام/۲۸/۶۴).

- موافقت با احتیاط در امور مهمه، جابر ضعف سند

در برخی منابع، در توضیح روایاتی که در باب محترم شدن جان فرد با ورود به اسلام نقل شده (شرح الکافی ۷۱/۸) گفته شده است: این گونه اخبار مطلقاً دلالت بر جواز ازدواج میان پیروان مختلف مذاهب اسلامی دارد، مگر در مورد ازدواج زن شیعه با غیر شیعه، که دو نظر میان فقهای شیعه بیان شده است؛ محقق و مفید آن را جایز و مشهور آن را ممنوع می‌دانند و مشهور، به اخباری استناد می‌کنند که در اسناد برخی، ارسال و در اسناد برخی دیگر، ضعف و در اسناد برخی، جهالت است و در ادامه، مصنف کتاب (شارح کتاب کافی) می‌گوید: (گرچه در اسناد این روایات نقص‌هایی وجود دارد) اما ترک این نوع ازدواج از باب دوری از دست‌اندازی و هجمه نسبت به مباح دانستن فروج و تطهیر تناسل، مقتضی رعایت احتیاط در این موضوع است (در واقع در این عبارت، به طور تلویحی رعایت احتیاط در امور مهمه در برخی موارد، جابر ضعف سند دانسته شده است) (همان/۷۱).

- انصراف معذوریّت مجرم در صورت عدم وصول حکم، به امور غیر مهمه

در برخی منابع، به نکته مهمی توجه داده شده و آن این است که معذور بودن مجرم در صورت عدم وصول حکم، مربوط به امور غیر مهمه است و در امور مهمه، مانند: فروج، دماء و اموال که شدت اهتمام شارع نسبت به رعایت احتیاط در آنها کاملاً معلوم است، همین امر شارع نسبت به رعایت احتیاط در این امور، به منزله بیان واصل محسوب می‌شود (أجود التقريرات/۸۱/۲).

- اهمیّت مقام قضاوت نسبت به مقام افتاء به استناد ناظر بودن مقام قضاوت به امور مهمه

در برخی منابع، در باب شدیدتر بودن حرمت صدور حکم از فردی که فاقد شرایط صدور حکم است نسبت به حرمت صدور فتوا از کسی که فاقد شرایط صدور فتوا است، آمده است: «فتوا از کسی که مستجمع شرایط فتوی نبوده باشد حرام و

موجب عقاب است اگر چه مطابق واقع شده باشد، بلکه ممکن است که بین مطابق و غیره در حکم وضعی فرق گذاشته شود، به این معنی که در روز ماه مبارک رمضان اگر چنین چیزی صادر شده باشد حکم به فساد صوم در صورتی که مطابق واقع اتفاق افتاده باشد نتوان نمود، و این مطلب، محل کلام در این مقام نیست. اجمالاً در آن چه مذکور شد بین فتوی و حکم، فرقی نمی‌باشد، اگر چه حکم، أسوأ حالاً و أشدّ مفسدّاً است، به این معنا که کسی که متصدی حکم و مرافعه بین الناس شود و مستجمع شرایط آن نباشد مغضوبیت چنین کسی در درگاه احدیت جلّ شأنه، از مفتی در صورتی که مستجمع شرایط فتوی نبوده به مقتضای عقل و نقل، أشدّ بوده باشد. اما عقل، نظر به این حکم، مستلزم أخذ أموال الناس و تصرف در فروج و دماء و أنساب است (فتوا ناظر به امور عبادی دانسته شده است و حکم ناظر به امور کیفری)، به خلاف فتوی بر خلاف واقع که مفسده آن اقلّ است، پس حکم به خلاف واقع، مفسده در آن أشدّ از مفسده در فتوای به خلاف واقع است» (تحفه الأبرار/۱/۴۸).

در این قسمت، باید متذکر این نکته اساسی شد که گرچه فقیهان در برخی ابواب فقهی، روایت و یا فتوایی را به استناد مخالفت با احتیاط مردود دانسته‌اند، اما این مخالفت هیچگاه شکل اصولی، منضبط و عمومی، نیافته و نیز معیاری برای حصول اطمینان نسبت به مضامین اخبار احاد در امور مهمه، پیشنهاد نشده است.

۵- طرح و نقد چند اشکال

- اگر مهم‌ترین دلیل حجیت خبر واحد را سیره عقلا بدانیم، ملاک اعتماد عقلا به خبر، وثوق مخبر خواهد بود بدون این که تکفیکی از حیث مهم و غیر مهم بودن موضوع قائل شوند.

حقّ این است که در امور مهمه، سیره عقلا به صورت تحصیل اطمینان در عمل به خبری است که احتمال کذب در آن منتفی باشد، یعنی منشأ اعتماد به خبر واحد، اطمینان حاصل از قطع و یقین عرفی است، اما در امور مهمه، چنین اطمینانی از خبر

واحد ثقه برای عقلا حاصل نمی‌شود. بنابراین، تفاوت، در عدم لزوم اطمینان در امور غیر مهمه و لزوم اطمینان در امور مهمه، است.

- معیار قابل تحصیل برای تفکیک میان امور مهمه از امور غیر مهمه و مهم بودن همه احکام شرعی وجود ندارد.

اولاً- اشکال و ایراد صرفاً مبتنی بر «اهمیت شرعی» نیست، بلکه علاوه بر اهمیت شرعی، این نظریه مبتنی بر لزوم رعایت دقت و احتیاط از منظر مذاق شریعت و ابتدای سیره عقلا بر دقت و لزوم تحصیل اطمینان در این امور است، ثانیاً- برای این تفکیک معیار قابل تحصیلی وجود دارد، و آن عبارت است از اموری که سیره قانونگذاری شارع مقدس و عقلا در آن امور، بر دقت و رعایت احتیاط مبتنی است.

- اعتقاد به عدم حجیت خبر واحد در امور مهمه، موجب تعطیلی بخش قابل توجهی از احکام است.

این اشکال در صورتی وارد است که کسی قائل به کنار نهادن تمام اخبار آحادی که ناظر به امور مهمه هستند، باشد، اما آن چه در این نوشتار مطرح شده، آن است که برای رعایت احتیاط در امور مهمه، ضروری است که برای تعیین صحت و سقم اخبار آحاد، از مذاق شریعت و سیره عقلا به عنوان معیار سنجش، استفاده شود و در صورت عدم حصول اطمینان نسبت به صحت خبر واحد از این دو منبع در جهت تأمین خلأ ناشی از طرح آن خبر واحد، بهره‌برداری شود.

- اعتقاد به تفکیک میان امور مهمه از امور غیر مهمه در باب حجیت خبر واحد، خرق اجماع است و تا کنون احدی به آن قائل نشده است.

مسأله مورد بحث، مسأله‌ای اصولی است، نه فقهی؛ و این که اجماع اصطلاحی در آن راه داشته باشد محل تأمل است.

- اگر کسی دلیل حجیت خبر واحد و یا حتی مهم‌ترین دلیل حجیت خبر واحد را منحصر در سیره عقلا ندانست بلکه برای آیات قرآن هم در جایگاه دلیل حجیت خبر

واحد رتبه‌ای در حدّ رتبه سیره عقلا قائل باشد، آیا مبنای گفته شده مبنی بر عدم حجیت خبر واحد در امور مهمه، از موضع محکم و قابل دفاعی برخوردار خواهد بود؟ در فرض پذیرش دلالت آیات مورد استناد بر حجّت خبر واحد، توجه به نکات

ذیل، بیانگر انصراف این آیات به امور غیر مهمه است:

- نکته اول (امضائی بودن حکم موجود در آیات مورد استناد): وقتی خداوند، اعتماد و اعتنا به خبر واحد را در مفهوم آیه نبأ و سایر آیات مورد استناد، توصیه می‌فرماید، این توصیه شارع مقدس، در واقع امضای سیره عقلا است و این که شارع در این باب، حکم تأسیسی ندارد، بلکه حکم او جنبه امضایی و تأکیدی دارد، (بنابراین، برای تعیین حدود و ثغور اعتماد عقلا به اخبار آحاد، باید به خود سیره عقلا مراجعه شود و آن حدود و ثغور، حجّت است مگر آن که از جانب شارع، ردع و منعی نسبت به گستره آن سیره و یا امری در باب تحدید سیره عقلا در آن زمینه، رسیده باشد) و سیره عقلا این طور است که در مواردی که محتوای خبر، حاوی حکمی در باب امور مهمه است به صرف خبر واحد هر چند راوی آن فرد عادل یا ثقه ای باشد، اکتفا نمی‌کنند و به جستجو برای یافتن قرائنی که متن خبر را برای آنها یقینی کند، می‌پردازند؛ بنابراین، وقتی شارع مقدس نسبت به اخذ به خبر واحد عادل، رخصت می‌دهد، مقصود، خبر واحدی است که مستقیم از یک واقعیت حکایت می‌کند نه خبری که با یک یا چند واسطه از یک واقعیت حکایت می‌کند.

- نکته دوم (انصراف حکم موجود در آیات مورد استناد به خبر بدون واسطه): حتی اگر پذیرفته شود که بیان شارع در اعتماد و اعتنا به خبر واحد عادل یا ثقه، که از مفهوم آیات مورد استناد به دست می‌آید، یک حکم تأسیسی است؛ یعنی شارع، منهای سیره عقلا می‌خواهد مؤمنان را به اخذ به خبر واحد توجه دهد و بفرماید صدق العادل (عادل را تصدیق کن)، با توجه به این که با افزایش تعداد واسطه خبر، احتمال سهو و نسیان در نقل متن خبر نیز افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، با توجه به حساسیت فوق العاده شارع در امور مهمه، آیات مورد استناد خصوصاً آیه نبأ (حداقل در امور مهمه)

منصرف به خبری هستند که مستقیم و بدون واسطه از یک واقعیت خبر می‌دهند و از اخبار باواسطه، خصوصاً در امور مهمه، انصراف دارند.

- نکته سوم (تأکید آیه نبأ بر لزوم تحقیق نسبت به خبری که راوی آن فرد فاسقی است): با توجه به این که شارع مقدس، رئیس عقلا است در اموری که مبتنی بر سیره عقلا می‌باشد، از همان سیره عقلا پیروی می‌فرماید، بنابراین مفهوم آیه این است که لزوم تحقیق در موردی که موضوع خبر از امور مهمه بوده و راوی خبر هم، فرد فاسقی است از لزوم تحقیق در سایر موارد، شدید تر است، یعنی اگر فاسقی برای شما خبری آورد، حتماً تحقیق کنید، اما منظور آیه این نیست که اگر عادل برای شما خبری آورد که موضوع آن امور مهمه بود، تحقیق لازم نیست، بلکه منظور این است که تحقیق در مورد صحت خبر در صورتی که راوی، فرد ثقه و یا عادل است در حد مورد اول، از شدت ضرورت برخوردار نیست.

۶- راه‌کارهای پیشنهادی برای حصول اطمینان از مضامین اخبار آحاد

۶-۱- توجه بیشتر به مذاق شریعت

به نظر می‌رسد چنان چه در باب کشف مذاق شریعت در باب حوزه‌های مختلف احکام و نیز مذاق شریعت در باب قانونگذاری و وضع حکم، تلاش و اهتمام جدی صورت گیرد و چنان چه بتوان با تلاش وسیع فقهی از طریق الغای خصوصیت و تنقیح مناط، از مذاق شارع در ابواب مختلف فقهی، آگاهی یافت و در این باب به یقین رسید، این منبع می‌تواند به عنوان یک منبع مورد اطمینان برای کشف و وضع حکم به پویایی هرچه بیشتر فقه بیانجامد، بنابراین روشمند کردن کشف مذاق شارع در حوزه احکام، ضمن ایجاد یک منبع جدید برای کشف حکم مسائل مستحدثه، می‌تواند به عنوان یک شاخص مورد اطمینان و موجه، برای تحدید اخبار احاد و نیز تعیین صحت و سقم مضمون آن اخبار مورد استفاده قرار گیرد.

۶-۲- توجه بیشتر به سیره و بنای عقلا

گرچه در باب سیره و بنای عقلا، تاکنون تلاش‌های قابل توجهی صورت گرفته است، اما اهتمام جدی و تلاش بیشتر برای منفع ساختن این منبع، برای استفاده بیشتر از آن در جهت کشف و وضع احکام، ضمن کمک به پویایی فقه می‌تواند بسان شاخصی برای تعیین حدود اعتنا و اکتفا به خبر واحد در جهت کشف و وضع احکام، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

نتیجه گیری

چنانچه این مبنا پذیرفته شود که مهم‌ترین و عمده‌ترین دلیل حجت خبر واحد، سیره عقلا است، برای تعیین حد و مرز اعتماد به خبر واحد، مراجعه به سیره عقلا ضروری است. مراجعه به سیره عقلا، نشان‌دهنده این واقعیت است که ملاک عقلا برای اعتماد به خبر، وقتی که موضوع خبر، امری مهم و حیاتی باشد، حصول اطمینان نسبت به متن خبر است و وقتی در نقل خبر چندین واسطه قرار می‌گیرند، برای عقلا، وثوق مخبر، به تنهایی باعث حصول اطمینان نسبت به متن خبر، نمی‌شود و چنانچه در عرض سیره عقلا، آیات مورد استناد برای حجت خبر واحد به عنوان دلیل معتبر، پذیرفته شود با توجه به قصور در واقع نمایی خبری که چند واسطه در نقل آن حضور دارند و از سوی دیگر، با توجه به شدت اهتمام شارع نسبت به رعایت احتیاط در امور مهمه، آیات مورد استناد، از مواردی که در نقل خبر، وسائط زیادی قرار دارند و موضوع خبر امور مهمه است، منصرف هستند.

با توجه به دو مقدمه فوق، اکتفا به خبر واحد برای وضع احکام و قوانین در حوزه امور مهمه، فاقد جاهت عقلی و شرعی است.

اگرچه اکتفا به اخبار آحاد برای وضع احکام و قوانین در حوزه امور مهمه، فاقد پشتوانه عقلی و شرعی است، اما از آنجا که این اخبار، میراث گران‌سنگ حضرات معصومین(ع) است و طرح و کنار نهادن آنها، مشروع و معقول نیست، برای حصول

مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۹ - شماره ۱۶ - بهار و تابستان ۹۶ - ۱۷۵
اطمینان از متن و مضمون این اخبار، سنجش مضمون این اخبار با مذاق و مقاصد شارع
مقدس و سیره عقلا، امری مهم و ضروری است.

منابع

- قرآن کریم (ترجمه آیه الله مکارم شیرازی).
- آبی، حسن بن ابی طالب، **کشف الرموز فی شرح المختصر النافع**، ج ۲، چ ۳، قم، مؤسسه النشر
الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (صاحب کفایه)، **کفایه الأصول**، قم، بی نا، ۱۴۰۹ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد بلاغی، ج ۶، قم،
نشر صدوق، ۱۴۰۹ ق.
- _____، **خصال**، ج ۴، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، **المحکم و المحيط الأعظم**، بیروت، بی نا، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ج ۲، چ ۳، بیروت، بی نا، بی تا.
- اشکنانی، محمد حسین، **دروس فی علم الأصول (خلاصه الحلقة الاولى)**، قم، بی نا، ۱۴۱۸ ق.
- _____، **دروس فی اصول الفقه (توضیح الحلقة الثانیه)**، قم، بی نا، ۱۴۳۰ ق.
- ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغه**، ج ۷، بیروت، بی نا، بی تا.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری)، **فرائد الأصول**، چ ۵، قم، بی نا، ۱۴۱۶ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، ج ۱، بیروت، بی نا، بی تا.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه)، **مبادئ الوصول إلى علم الأصول**، قم، بی نا،
۱۴۰۴ ق.
- حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۴،
چ ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
- خمینی، سید روح الله (امام)، **تهذیب الأصول**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،
بی تا.
- خوانساری، سید احمد، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، ج ۷، چ ۲، قم، مؤسسه
اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق.

- سبحانی تبریزی، جعفر، **أصول الفقه المقارن فيما لا نصّ فيه**، قم، مؤسسه الامام الصادق(ع)، ۱۴۲۵ ق.

- سبزواری، عبدالاعلی، **مهذب الأحكام**، ج ۲۸، چ ۴، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ ق.

- شفتی، سید محمدباقر، **تحفه الأبرار الملتقط من آثار الأئمة الأطهار**، ج ۱، اصفهان، انتشارات کتابخانه مسجد سید، ۱۴۰۹ ق.

- عراقی، ضیاء الدین، **الاجتهاد و التقليد**، قم، بی نا، ۱۳۸۸.

- _____، **کتاب القضاء**، بی جا، بی نا، بی تا.

- _____، **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**، ج ۹، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲ ق.

- عسکری، حسن بن عبدالله، **الفروق فی اللغه**، بیروت، بی نا، بی تا.

- علیشاهی، ابوالفضل، **مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی**، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰.

- فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی**، ج ۲، چ ۲، قم، مؤسسه دار الهجره، بی تا.

- لاری شیرازی، عبدالحسین، **التعلیقہ علی فرائد الأصول**، ج ۱، قم، بی نا، ۱۴۱۸ ق.

- مازندرانی، محمد صالح بن احمد بن شمس سروی، **شرح الکافی**، ج ۸، تهران، المکتبه الإسلامیه، ۱۳۸۲ ق.

- مدنی، علی خان بن احمد، **الطراز الأول**، ج ۷، مشهد، بی نا، ۱۳۸۴.

- مصطفوی، سید محمد کاظم، **مائة قاعده فقهیه**، چ ۴، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.

- مظفر، محمدرضا، **أصول الفقه**، ج ۲، چ ۷، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۴.

- مغنیه، محمد جواد، **علم أصول الفقه فی ثوبه الجدید**، بیروت، بی نا، ۱۹۷۵ م.

- مکارم شیرازی، ناصر، **أنوار الفقاهه**، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۶ ق.

- منتظری، حسینعلی، **دراسات فی المكاسب المحرمه**، ج ۱، قم، نشر تفکر، ۱۴۱۵ ق.

- _____، **نظام الحکم فی الإسلام**، چ ۲، قم، بی نا، ۱۴۱۷ ق.

- نائینی، محمد حسین، **أجود التقريرات**، قم، بی نا، ۱۳۵۲.